



Res. article

Frequency and Direction of Code Switching among High-School Students in Urmia: A Comparative Study*

Nafiseh Tadayyon Chahartaq¹, Javid Fereidoni^{2✉}, Hojjat Sayyadi³

1- M.A. of Linguistics, Alzahra University, Urmia Campus, Urmia, Iran. 2- Assistant Professor, Faculty of Medicine, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran. 3- Ph.D. in Biostatistics, Faculty of Medicine, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran

Received: 2019/09/05

Accepted: 2019/09/07

Abstract

Code switching, as an outcome of linguistic contact, can be seen in most of the multilingual societies. The present field study was conducted in Urmia, a multilingual city of Iran. The purpose of the study was to compare the frequency and direction of code switching among female elementary and high-school students representing high, middle, and low social classes. Applying a non-participant observation method, the required data was extracted from the casual conversations of the students through voice recording. The extracted data was then, exposed to statistical analysis using SPSS software. According to the findings, there was a statistically significant relationship between the direction of code switching and social class of the participants, i.e. the dominant code switching direction among high-class was Farsi-Turkish, while students in the low and middle classes mostly switched in the reverse direction. Furthermore, the results showed no significant relationship between sex and frequency of code switching. Also, no significant relationship was observed between sex and direction of code switching neither.

Keywords: Urmia, direction of code switching, frequency of code switching, sociolinguistics.

Citation: Tadayyon Chahartaq, N., Fereidoni, J., Sayyadi, H. (2019). Frequency and Direction of Code Switching among High-School Students in Urmia: A Comparative Study. *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 7 (27), 21-32. (In Persian)

*. The present study is adapted from one of the co-authors' thesis.





بررسی پدیده رمزگردانی از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی: مطالعه گفتار روزمره دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان ارومیه*

نفیسه تدین چهارطاق^۱، جاوید فریدونی^۲، حجت صیادی^۳

۱- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه الزهرا - شعبه ارومیه، ارومیه، ایران. ۲- استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، ارومیه، ایران. ۳- دکتری آمار زیستی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، ارومیه، ایران.

پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۱۸

دریافت: ۱۳۹۸/۲/۱۹

چکیده

یکی از پی‌آمدهای ناشی از تماس زبانی در جوامع چندزبانه، رمزگردانی یا گردش متناوب بین دو یا چند زبان است. پژوهش حاضر مطالعه‌ای میدانی است که به بررسی مقایسه‌ای میزان و جهت رمزگردانی در میان دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه در سه طبقه اجتماعی پردرآمد، متوسط و کم‌درآمد در جامعه چندزبانه شهرستان ارومیه پرداخته است. داده‌های مورد نیاز به‌روش ضبط گفتمان طبیعی به‌دست آمده و متخصص آمار و نرم‌افزار اس.پس.اس.اس. آن‌ها را تحلیل کردند. براساس نتایج به‌دست‌آمده، ارتباط بین جهت رمزگردانی و طبقه اجتماعی افراد معنی‌دار بود؛ بدین ترتیب که جهت غالب رمزگردانی در طبقه پردرآمد از فارسی به ترکی است، درحالی‌که در دو طبقه دیگر برعکس است؛ افزون بر این، طبق نتایج به‌دست‌آمده بین جنسیت و جهت رمزگردانی ارتباط معنی‌داری وجود ندارد؛ همچنین تفاوت میزان رمزگردانی در طبقات اجتماعی مورد بررسی و گروه‌های جنسی معنی‌دار نبود.

کلیدواژه‌ها: ارومیه، جهت رمزگردانی، میزان رمزگردانی، جامعه‌شناسی زبان.

استناد: تدین چهارطاق، نفیسه؛ فریدونی، جاوید؛ صیادی، حجت (۱۳۹۸). بررسی پدیده رمزگردانی از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی: مطالعه گفتار روزمره دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان ارومیه. *فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۷ (۲۷)، ۲۱-۳۲.

۱- مقدمه

به‌باور پژوهش‌گرانی همچون لباو^۱ (۲۰۰۶: ۳۸۰) مطالعه رفتار زبانی افراد، بدون شناخت جامعه آن‌ها ممکن نیست. همین تکیه بر مطالعه گفتار افراد در جامعه است که مطالعات جامعه‌شناسی زبان را از مطالعاتی که با در نظر گرفتن سخنور ایده‌آل در جامعه‌ای همگن انجام می‌شوند، متمایز می‌نماید. در برخی جوامع که شمارشان در جهان کم نیست، افراد به بیش از یک زبان سخن می‌گویند. در چنین جوامعی، ممکن است لازم باشد که افراد برای زندگی روزمره خود از بیش از یک زبان یا گونه زبانی استفاده کنند. در جامعه‌ای که بیش از یک زبان دارد، بی‌شک زبان‌ها با یکدیگر برخورد کرده و برهم تأثیر می‌گذارند یا عباراتی از هم قرض می‌گیرند.

پدیده رمزگردانی^۲، که مورد بررسی پژوهش حاضر است، نیز یکی از پی‌آمدهای احتمالی تماس زبان‌ها است که ممکن است در جوامع چندزبانه اتفاق افتد. چنان‌که از صورت این اصطلاح پیداست، منظور از رمزگردانی این است که گوینده(ها) در مکالمه به‌خصوصی بین دو یا چند رمز گردش کند. در واقع، کلمه رمز در این اصطلاح عبارتی خنثی برای اشاره به زبان، لهجه یا گونه زبانی دیگری است. براساس تعریفی که از رمز ارائه شد، می‌توان گفت که رمزگردانی ممکن است در تمام جوامعی که بیش از یک سبک یا گونه گفتاری داشته باشند، اتفاق افتد (مایرز-اسکاتن،^۳ ۱۹۹۷)؛ بنابراین، در صورتی که مقصود از رمز، زبان در نظر گرفته شود، که در نوشتار پیش رو این چنین است، در پدیده رمزگردانی حداقل دو زبان دخیل هستند؛ هرچند ممکن است هر دو به یک اندازه در آن مشارکت نکنند و در واقع یکی بر دیگری غالب باشد (مایرز-اسکاتن، ۱۹۹۳). در پژوهش حاضر نیز از زبانی که غالب‌تر بوده و چارچوب جمله را تشکیل دهد، به‌مثابه زبان مکالمه و از زبان دیگر، یعنی زبانی که گردش رمز به آن انجام می‌شود، با عنوان زبان رمزگردانی نام برده شده است.

نکته قابل توجه دیگر درباره رمزگردانی، شباهت آن با سایر پدیده‌های ناشی از تماس زبان‌ها است. ترکیب دو زبان در گفتمان دوزبانه می‌تواند به شکل‌های مختلف و از راه فرایندهای متفاوتی مثل رمزگردانی، قرض‌گیری، دوزبان‌گونی، گزینش زبانی و... اتفاق افتد. برخی پژوهش‌گران، همه رفتارهای مربوط به دوزبانگی را شواهدی دال بر الگوهای رمزگردانی گرفته‌اند (گامپرز و هرناندزچاوز،^۴ ۱۹۷۵).

1. W. Labov

2. Code-switching

3. C. Myers-Scotton

4. J. Gumperz & E. Hernandez-Chavez

با این حال برخی دیگر، از جمله پاپلاک^۱ (۱۹۸۵) و سنکاف^۲ و پاپلاک (۱۹۸۱) معتقدند که اگرچه زبان‌ها در نهایت جملاتی به دست می‌دهند که حاوی عناصر بیش از یک زبان هستند و به همین دلیل به طور معمول تشخیص آن‌ها از یکدیگر دشوار است؛ اما از آنجاکه هر کدام از پدیده‌های ناشی از تماس زبانی طبق سازوکارهای متفاوتی صورت می‌گیرند، استفاده از داده‌های هر کدام به جای دیگری، صحیح نخواهد بود و باید بین آن‌ها تمایز قائل شد.

از طرف دیگر، برخی پژوهش‌گران همچون هوگن^۳ (۱۹۷۳)، ترفردالر^۴ (۱۹۹۱) و مایرز-اسکاتن (۱۹۹۳) پیشنهاد می‌کنند که پدیده‌های مربوط به دوزبانگی در پیوستاری از حداکثر تمایز، ادغام یا قرض‌گیری و تداخلی که به هم‌پوشی دو رمز منجر می‌شود قرار گیرند؛ اما پاپلاک (۱۹۸۵) این پیشنهاد را نقد کرده و می‌گوید: اگرچه در نظر گرفتن چنین پیوستاری منطقی به نظر می‌رسد؛ اما در واقعیت نمی‌توان به آسانی رفتار دوزبانه‌ها را دسته‌بندی کرد. وی در پی راهی برای تشخیص قرض‌گیری، بر اساس پژوهش دیگران معیارهایی اخذ می‌کند: فراوانی کاربرد، جایگزینی مترادف موجود در زبان مقصد، ادغام مورفونمیک و/یا نحوی و قابل قبول بودن برای سخنوران بومی. بر اساس این، اگر به پیشنهاد پژوهش‌گرانی که وجود پیوستار را پیشنهاد می‌کنند قائل باشیم، می‌توان گفت که هرچه عبارت زبان مبدأ را افراد بیشتری استفاده کنند، مترادفی در زبان مقصد نداشته باشد و از نظر صرفی، آوایی یا نحوی در زبان مقصد ادغام شده باشد، به قرض‌گیری نزدیک‌تر و هرچه از این معیارها دورتر باشد، به رمزگردانی نزدیک‌تر است. در بخش روش پژوهش معیارهایی که در پژوهش حاضر برای تشخیص رمزگردانی به کار گرفته شد با نمونه‌هایی از بیکره پژوهش توضیح داده شده‌اند.

از دیگر سو، با مقدمه پیش‌گفته اگر به اجتماعی بودن زبان قائل باشیم، می‌توان تصور کرد که زبان بسته به عواملی مثل زمان، مکان، جنسیت، موقعیت اجتماعی، موقعیت هر کدام از زبان‌ها در جامعه، نوع محیط - مثل رسمی یا غیر رسمی بودن آن - و بسیاری عوامل دیگر متغیر است. پدیده رمزگردانی نیز، همچون سایر پدیده‌های اجتماعی می‌تواند تحت تأثیر چنین عواملی قرار گیرد. چنین تأثیری به طور معمول در برخی رفتارهای زبانی افراد، مانند میزان رمزگردانی و جهت آن دیده می‌شود.

از جمله پژوهش‌های خارجی که چنین برهم‌کنش‌هایی را بررسی کرده‌اند می‌توان به پاپلاک (۱۹۸۰)

1. S. Poplack
2. D. Sankoff
3. E. Haugen
4. J. Treffers-Daller

اشاره کرد که با مطالعه گفتار بیست فرد دوزبانه اسپانیایی - آمریکایی در ال‌باریو^۱، قدیمی‌ترین محله پرتوریکن آمریکا، نشان داد که اولاً، رمزگردانی فرد دوزبانه نشان‌دهنده مهارت او در هرکدام از زبان‌های اوست و دوماً، عواملی مثل جنسیت، سن یادگیری زبان دوم و میزان تحصیلات در نوع رمزگردانی مؤثر هستند. گوتیرز-کلین^۲ و دیگران (۲۰۰۹) نیز پدیده رمزگردانی را در (۵۸) کودک دوزبانه اسپانیایی - انگلیسی با و بدون اختلال زبانی بررسی کردند.

براساس نتایج پژوهش‌گران، هنگامی که کودکان به زبان اسپانیایی تست شدند، تنها کسانی که زبان غالبشان انگلیسی بود، به انگلیسی رمزگردانی کردند؛ نیز فراوانی رمزگردانی در کودکانی که زبان اسپانیایی در آن‌ها غالب بود و به انگلیسی تست شدند، در مقایسه با کودکان انگلیسی‌زبان بسیار کمتر بود. به عقیده گوتیرز و دیگران (۲۰۰۹) این یافته نشان می‌داد که میزان رمزگردانی کودکان متأثر از دانش آن‌ها از زبان تجویز شده جمعیت غالب است نه سطح مهارتشان در آن زبان. از آنجاکه کودکان به زبان مدرسه عادت کرده‌اند، میزان رمزگردانی به اسپانیایی کمتر بود درحالی‌که رمزگردانی به انگلیسی در گفتمان اسپانیایی در تمام مقاطع تحصیلی دیده می‌شود. افزون بر این، در نوشتار پیش رو تفاوت چندانی بین رمزگردانی کودکان سالم و کودکان دچار اختلال زبانی وجود نداشت.

به گفته گامپرز (۱۹۸۲) یکی از شرایط مطلوب برای بررسی پدیده رمزگردانی هنگامی است که هویت قومی افراد مشترک نباشد. پژوهش حاضر نیز در شهرستان ارومیه، مرکز استان آذربایجان غربی و یکی از شهرستان‌های چندزبانه کشور انجام شده است. بیشتر جمعیت این شهرستان را ترک‌زبانان شکل داده‌اند؛ اما از اقلیت‌های قومی ساکن در این شهر می‌توان به ترتیب اکثریت به کردزبانان و آسوری‌ها اشاره کرد. افزون بر این، مردم شهر علاوه بر زبان مادری خود، به فارسی نیز مسلط هستند.

به‌تازگی پژوهش‌های متعددی به بررسی پدیده‌های ناشی از چندزبانگی در این شهرستان پرداخته و دیدگاه خوبی از شرایط زبانی ارومیه به دست می‌دهند؛ برای نمونه فریدونی (۲۰۰۳) گزینش زبانی افراد در هرکدام از حوزه‌های اجتماعی خانواده، دین، محله، دوستان، تحصیل، کار و معامله را بررسی کرده و ارتباط بین متغیرهای سن، جنسیت و تحصیلات با زبان انتخابی هر جمعیت را سنجید. براساس نتایج این پژوهش، در حوزه‌های آموزش، تحصیل و مشاغل زبان فارسی غالب است. با افزایش تحصیلات نیز استفاده از این زبان بیشتر می‌شود؛ اما جنسیت تأثیری در کاربرد زبان ندارد. بهمقامی (۱۳۹۶) نیز

1. El Bario

2. V. Gutiérrez-Clellen

پدیده چندزبانگی و عوامل تأثیرگذار در آن را در میان افراد چندزبانۀ شهرستان ارومیه بررسی کرده و نشان داد که در طبقات کم‌درآمد، افراد تمایل بیشتری به زبان مادری داشتند؛ اما در طبقه پردرآمد، تمایل به استفاده از فارسی بیشتر بوده است؛ همچنین از میان متغیرهای مورد بررسی، قومیت بیشترین و میزان درآمد کمترین تأثیر را در انتخاب زبانی افراد داشته است.

با این اوصاف، یکی از پرسش‌هایی که ممکن است مطرح شود این است که در هرکدام از مناطق کم‌درآمد، متوسط و پردرآمد در جامعه‌ای چندزبانۀ همچون جامعه شهر ارومیه - که براساس پژوهش‌های پیشین الگوی گزینش زبانی متفاوتی دارند - و در محیطی همچون مدرسه - که در آن فارسی زبان غالب است - الگوی کاربرد زبان چگونه خواهد بود. نوشتار پیش رو نتایج پژوهشی را گزارش می‌کند که به بررسی میزان و جهت رمزگردانی دانش‌آموزان دوره متوسطه با در نظر گرفتن دو متغیر جنسیت و طبقه اجتماعی می‌پردازد. در این پژوهش، فرض بر این بود که جهت غالب رمزگردانی در بین دختران از زبان مادری به زبان معیار باشد و پسران کم‌تر رمزگردانی کنند؛ همچنین انتظار می‌رفت که بین طبقه اجتماعی و جنسیت افراد و جهت رمزگردانی آن‌ها ارتباط معنی‌داری وجود داشته باشد؛ با این حال نتایج نشان دادند که بین جنسیت و جهت رمزگردانی ارتباط معنی‌داری وجود ندارد؛ اما طبقه اجتماعی و جهت رمزگردانی ارتباط معناداری دارند. میزان رمزگردانی نیز با هیچ‌کدام از متغیرهای جنسیت و طبقه اجتماعی ارتباط معنی‌داری نداشت.

۲- روش پژوهش

در این بخش روش پژوهش، جمعیت مورد مطالعه و شیوه جمع‌آوری داده‌ها به تفصیل شرح داده خواهد شد.

جمعیت مورد بررسی در نوشتار پیش رو شامل همه دانش‌آموزان دختر و پسر بود که در مقطع متوسطه دوره دوم در مدارس شهرستان ارومیه تحصیل می‌کردند. جمعیت نمونه شامل دانش‌آموزانی بود که در شش مدرسه متوسطه دوره دوم دخترانه و پسرانه که نماینده سه طبقه اجتماعی پایین، متوسط و بالا باشند، تحصیل می‌کردند. محل پژوهش حاضر شهرستان ارومیه، مرکز استان آذربایجان غربی است که به واسطه شرایط زبانی آن، جای مناسبی برای بررسی چندزبانگی و تماس زبان‌ها از دیدگاه اجتماعی است (ر.ک. مقدمه).

داده‌های مورد استفاده در این مطالعه شامل عبارات رمزگردانی شده‌ای بود که از خلال گفت‌وگوهای روزمره جمعیت نمونه استخراج شد. جمع‌آوری این داده‌ها به روش میدانی، با ضبط مکالمات روزمره

دانش آموزان با استفاده از دستگاه ضبط صوت در مکان‌های عمومی مثل بوفه انجام شده بود. علت انتخاب ابزار ضبط صدا در مقابل ابزارهایی همچون پرسش‌نامه و مصاحبه تلاش برای به‌دست‌آوردن داده‌هایی بود که تا حد امکان در شرایط طبیعی تولید شده باشند؛ زیرا رفتار زبانی افراد باید به‌صورت نظام‌مند و مبتنی بر پیکره‌ای مطالعه شود که متشکل از گفتار افراد در جامعه خود آن‌ها باشد (سنکاف و پاپلاک، ۱۹۸۱). به‌همین دلیل، جمع‌آوری صدا به‌روش مشاهده غیر مشارکتی، یعنی بدون حضور پژوهش‌گر انجام شد.

در واقع پژوهش‌گر پس از هماهنگی‌های لازم با مدرسه، دستگاه ضبط صوت را در محل تجمع دانش‌آموزان قرار داد. در برخی مواقع که استفاده از چنین روشی ممکن نبود، از نوع دیگری از روش غیر مشارکتی که در مطالعات میدانی معمول است؛ یعنی روش ضبط صدا به‌وسیله همکاری که عضو جامعه مورد مطالعه باشد^۱، استفاده شد. در چنین روشی همکار باید به حد کافی درباره هدف و روش پژوهش توجیه شود، چنان‌که به روند جمع‌آوری داده لطمه‌ای وارد نشود. هرچند، از معایب چنین روشی این است که پژوهش‌گر دیگر کنترلی بر پروسه ضبط صدا نخواهد داشت (پودسوا و شارما^۲، ۲۰۱۳).

بدین ترتیب به‌ازای هر مدرسه، شش ساعت و در مجموع سی‌وشش ساعت صدا جمع‌آوری شد که از آن میان برای به‌دست‌آوردن داده‌های اصلی، یعنی عبارت‌های رمزگردانی شده، به‌ازای هرکدام از شش مدرسه یک ساعت از گفت‌وگوهای روزمره دانش‌آموزان (در مجموع شش ساعت) انتخاب و عبارات حاوی رمزگردانی براساس معیارهای تمایز رمزگردانی برچسب‌گذاری شدند.

معیارهایی که در پژوهش حاضر برای تشخیص رمزگردانی به‌کار گرفته شدند شامل وجود یا عدم وجود مترادف در زبان مقصد، ادغام آوایی، صرفی و/یا نحوی در زبان مقصد و فراوانی بودند. افزون بر این، اسامی خاص، اسم غذاها، اسامی مکان و همچنین جملات و عباراتی که به‌اندازه کافی در زبان مقصد تکرار و به‌لحاظ اجتماعی در زبان مقصد ادغام شده باشند، رمزگردانی محسوب نشدند؛ برای مثال در ایران عبارت‌هایی مانند دفتر نمره یا حضور و غیاب در بافت مدرسه رایج هستند؛ این عبارات در عین حال که می‌توانند در ترکی معادلی داشته باشند، به‌دفعات تکرار و واژگان این زبان در بافت مدرسه وارد شده‌اند. چنین کلماتی ممکن است از نظر آوایی یا صرفی هم در زبان مقصد ادغام شده

1. Self-recording

2. R. J. Podesva & D. Sharma

باشند؛ برای مثال دفتر نمره ممکن است /dæftær nümre/ یا /dæftær nomre/ تلفظ شود؛ برای مثال به جمله زیر از داده‌های پژوهش دقت کنید:

(۱) خانیم مختاری دثیب ایه گتسز مقام گتسن نمره مستمرین من اوزوم وئره رم.
[خانم مختاری گفته اگه برین و مقام بیاری نمره مستمریات را خودم میدم].

در جمله (۱) در عبارت نمره مستمر، گردش زبان از ترکی به فارسی صورت گرفته است؛ اما از آنجاکه این عبارت در بافت مدرسه رایج است و معادل دیگری در زبان مقصد ندارد، قرض‌گیری محسوب شده است.

مثال (۲) نمونه‌ای از رمزگردانی دختران طبقه متوسط به ترکی در پیکره پژوهش است:

(۲) الف. حالا تمامی با خیلی سبز خیلی مشکل داره
ب. [...] چیز اومده بود، آدی نمه دی او؟ قاسمی
[... چیز اومده بود، چی بود اسمش؟ قاسمی]

در مثال (۲) زبان غالب مکالمه فارسی است؛ اما در خلال آن رمزگردانی‌هایی به ترکی انجام می‌شود.
مثال (۳) نیز نمونه‌ای از رمزگردانی پسران طبقه متوسط به فارسی است:

(۳) بیر عیدده وار... من بیلیرم نمه‌دی، پشت پرده‌نی بیلیرم با!
[یه عده هستن... من می‌دونم جریان چیه، می‌دونم پشت پرده چی می‌گذره].

در مثال (۳) گوینده به ترکی سخن می‌گوید، اما در خلال گفتار خویش در گروه اضافی پشت پرده رمزگردانی انجام می‌دهد.

بدین ترتیب، پس از جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز، متخصص آمار داده‌ها را تحلیل کرد. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار اس.پی.اس.اس.^۱ استفاده شد. گفتنی است، با توجه به اینکه تعیین طبقه اجتماعی منطقه به‌خصوصی به عوامل متعددی بستگی دارد و از سوی دیگر، پیش‌تر پژوهشی درخصوص تعیین طبقه اجتماعی مناطق مختلف ارومیه انجام نشده بود، تعیین مناطق و انتخاب مدارس در پژوهش حاضر طبق توصیه اداره آموزش و پرورش و مشورت با تعدادی از شهروندان مسلط به مناطق مختلف شهر ارومیه انجام شد. در ضمن با توجه به ترکیب جمعیتی این شهرستان انتظار می‌رفت که به‌جز فارسی و ترکی زبان‌های کردی، آسوری و ارمنی نیز در داده‌ها شنیده شود؛ با این حال، تنها ترکی و فارسی

مشاهده شد.

۳- یافته‌ها

در بخش حاضر نتایج توصیفی و تحلیلی به دست آمده از تحلیل‌های آماری ارائه شده و مورد بحث قرار خواهند گرفت. چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، منظور از جهت رمزگردانی، گردش گویندگان از زبان اول به زبان دوم یا بالعکس است که هنگام پیاده‌سازی داده‌ها برچسب‌گذاری شد. جدول (۱) جهت رمزگردانی را به تفکیک جنس و طبقه اجتماعی نشان می‌دهد:

جدول (۱). جهت رمزگردانی به تفکیک جنس و طبقه اجتماعی

جهت رمزگردانی			
فارسی به ترکی	ترکی به فارسی		
٪۵۸/۲	٪۵۹/۹	دختر	جنس
٪۴۱/۸	٪۴۰/۱	پسر	
٪۱۰۰	٪۱۰۰	کل	
٪۱۲/۱	٪۲۳/۳	بسیار کم درآمد	طبقه اجتماعی
٪۳۶/۳	٪۴۳/۰	متوسط	
٪۵۱/۶	٪۱۴/۶	بسیار پر درآمد	
٪۱۰۰	٪۱۰۰	کل	
٪۱۳/۴	٪۸۶/۳	مجموع	

بر اساس آمار توصیفی ارائه شده در جدول (۱)، در مجموع درصد رمزگردانی از ترکی به فارسی (٪۸۶/۳) بیشتر از درصد رمزگردانی از فارسی به ترکی (٪۱۳/۴) بود که می‌تواند نشان دهد افراد بیشتر در مواقعی رمزگردانی می‌کردند که ترکی غالب بوده است. چنان‌که زبان را پدیده‌ای اجتماعی بدانیم، می‌توان انتظار داشت که تحت تأثیر عواملی همچون جنسیت و طبقه اجتماعی تغییر کند یا شکل‌های مختلفی پیدا کند؛ بنابراین در دو زیربخش زیر به بررسی ارتباط بین میزان و جهت رمزگردانی افراد مورد مطالعه و جنسیت و طبقه اجتماعی آن‌ها خواهیم پرداخت.

۳-۱- بررسی تفاوت میزان رمزگردانی بر اساس متغیرهای جنسیت و طبقه اجتماعی

برای بررسی معنی‌داری تفاوت میانگین رمزگردانی در دو گروه جنسی از آزمون آماری نمونه‌های مستقل^۱ استفاده شد. نتایج این آزمون نشان داد که تفاوت میزان رمزگردانی در میان دختران و پسران

معنی‌دار نیست ($p = .15$). به بیان دیگر، در جمعیت مورد پژوهش تفاوت قابل توجهی میان میانگین مدت‌زمان رمزگردانی دختران و پسران وجود نداشت.

از آنجا که متغیر طبقه اجتماعی شامل بیش از دو گروه بود، برای بررسی معنی‌داری تفاوت بین میانگین مدت‌زمان رمزگردانی در سه گروه کم‌درآمد، متوسط و پردرآمد از آنالیز واریانس^۱ یا آنووا استفاده شد. براساس نتایج آزمون آنووا تفاوت میانگین مدت رمزگردانی بین دختران و پسران طبقات اجتماعی یادشده نیز معنی‌دار نبود ($p = .13$). به بیان دیگر، میانگین مدت‌زمان رمزگردانی در سه طبقه اجتماعی نیز تفاوت قابل توجهی نداشت. در بخش بعدی ارتباط بین جهت رمزگردانی و هرکدام از متغیرهای جنس و طبقه اجتماعی سنجیده خواهد شد.

۳-۲- ارتباط بین جهت رمزگردانی و متغیرهای جنس و طبقه اجتماعی

برای بررسی معنی‌داری ارتباط بین جهت رمزگردانی و هرکدام از متغیرهای جنسیت و طبقه اجتماعی از آزمون خی‌دو پیرسون^۲ استفاده شد. نتایج این آزمون درخصوص رابطه بین جهت رمزگردانی و طبقه اجتماعی نشان‌دهنده وجود ارتباط معنی‌دار بین این دو متغیر است ($p < 0.001$, $df=4$). چنان‌که در جدول (۱) مشاهده می‌کنید، بین مقادیر به‌دست‌آمده برای جهت رمزگردانی در طبقه پردرآمد و طبقات متوسط و کم‌درآمد تفاوت فاحشی وجود دارد. بدین ترتیب که میزان رمزگردانی از ترکی به فارسی به ترتیب در طبقات متوسط ($43/0\%$) و بسیار کم‌درآمد ($22/3\%$) بیشترین و با تفاوت قابل توجه در طبقه بسیار پردرآمد ($14/6\%$) کم‌ترین مقدار را داشته است؛ درحالی‌که در رمزگردانی از فارسی به ترکی بیشترین درصد به طبقه پردرآمد ($51/6\%$) و پس از آن طبقات متوسط ($36/3\%$) و کم‌درآمد ($12/1\%$) مربوط می‌شود. این تفاوت نشان می‌دهد که زبان غالب در طبقه پردرآمد و طبقات متوسط و کم‌درآمد متفاوت است.

از طرف دیگر، براساس نتایج به‌دست‌آمده از آزمون خی‌دو ارتباط بین جنس و جهت رمزگردانی معنی‌دار نیست ($p=0.92$, $df=2$). می‌توان گفت که جهت رمزگردانی نیز در میان دختران و پسران کمابیش الگوی مشابهی داشته است. به بیان دیگر، با اینکه در کل دختران بیشتر از پسران رمزگردانی می‌کردند؛ اما در بیشتر موارد زبان غالب مکالمه ترکی بوده و گردش به فارسی صورت گرفته است.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر درخصوص ارتباط بین جنسیت افراد و میزان رمزگردانی آن‌ها نشان داد که

برخلاف انتظار، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. در مورد ارتباط بین جنسیت و جهت رمزگردانی نیز نتیجه مشابهی به دست آمد. اگرچه چنین یافته‌ای با نتایج پژوهش‌هایی همچون پاپلاک (۱۹۸۰) که نشان داد جنسیت در نوع رمزگردانی افراد مؤثر است، مغایرت دارد؛ اما در حقیقت می‌تواند نشان‌دهنده مشابه بودن الگوی کاربرد زبان در هر دو گروه جنسی باشد.

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که در کل درصد رمزگردانی از ترکی به فارسی بیشتر بود. این نتیجه با نتایج گوتیرز و دیگران (۲۰۰۹) هم‌راستا بود، که نشان دادند کودکان بیشتر زمانی که زبان غالب مکالمه زبان مادری آن‌ها بود رمزگردانی می‌کردند؛ در واقع، زمانی که زبان غالب مکالمه همان زبان غالب جامعه بود، میزان رمزگردانی به زبان مادری کمتر اتفاق می‌افتاد؛ از طرف دیگر، بر اساس یافته‌های فریدونی (۲۰۰۳) می‌توان گفت که زبان غالب در مدارس شهرستان ارومیه زبان رسمی کشور، یعنی فارسی است؛ بنابراین، می‌توان گفت که یافته پژوهش ما نیز با نتایج پژوهش‌های یادشده هم‌راستا است؛ زیرا در واقع زمانی که زبان معیار در مکالمه غالب بود، رمزگردانی به زبان مادری کمتر انجام می‌شد؛ اما بالعکس بیشترین درصد گردش رمز به زمانی مربوط می‌شد که زبان غالب، زبان مادری باشد. همین امر می‌تواند نشان‌دهنده جریان داخل‌شدن عناصر زبان معیار در زبان مادری افراد مورد پژوهش باشد؛ چنان‌که به‌باور برخی پژوهش‌گران نیز پدیده‌های ناشی از تماس زبان‌ها شامل پیوستاری از حداکثر تمایز تا هم‌پوشی هستند که رمزگردانی نیز بخشی از آن است و با تکرار تبدیل به قرض‌گیری و در نهایت تغییر زبان می‌شود (هوگن، ۱۹۷۳؛ ترفردالر، ۱۹۹۱؛ مایرز-اسکاتن، ۱۹۹۳)؛ هرچند که تمایز قائل‌شدن بین مراحل مختلف آن به راحتی ممکن نیست (پاپلاک، ۱۹۸۵).

یافته دیگر پژوهش حاضر وجود ارتباط معنی‌دار بین جهت رمزگردانی و طبقه اجتماعی است. در واقع، در طبقه پردرآمد، تمایل به گردش رمز از زبان معیار به زبان مادری بیشتر است، در حالی که در طبقات متوسط و کم‌درآمد، گردش رمز از زبان مادری به زبان معیار بیشتر بود. از جهتی علت این امر را می‌توان به غالب بودن زبان معیار در طبقه پردرآمد و عکس چنین وضعیتی در طبقات متوسط و کم‌درآمد نسبت داد.

نتایج بهمقامی (۱۳۹۶) در خصوص گزینش زبانی در شهرستان ارومیه نیز تأیید می‌کند که طبقات کم‌درآمد به زبان مادری و طبقات پردرآمد به زبان معیار - که به‌طور معمول حیثیت اجتماعی بالاتری دارد - تمایل دارند. در واقع بر اساس چنین یافته‌ای می‌توان گفت که از طرفی، از آنجاکه در طبقات متوسط و کم‌درآمد رمزگردانی بیشتری انجام می‌شود، و از طرف دیگر جهت غالب این رمزگردانی از

زبان مادری به زبان معیار است، شاید بتوان گفت که روند تداخل دو زبان در این طبقات شایع‌تر است. در نهایت با توجه به یافته‌های پیش‌گفته می‌توان چنین نتیجه گرفت که پدیده رمزگردانی، به‌مثابه یکی از نتایج برخورد زبان‌ها در میان محصلان نوجوان شهرستان ارومیه در جریان است؛ نتیجه‌ای که با توجه به دو یا چندزبان بودن بیشتر مردم این شهرستان، دور از انتظار نیست و حتی باید انتظار داشت که چنین روندی در سایر قشرها و حوزه‌ها نیز مشاهده شود؛ افزون بر این، شرایط زبانی حاکم بر شهرستان چندزبان، غالب بودن زبان معیار در مدارس و حتی حیثیت اجتماعی بالاتر آن مزید بر علت شده و روند داخل شدن عناصر زبان معیار به زبان مادری را در این شهرستان سرعت می‌بخشد.

الگویی که در این پژوهش از روند رمزگردانی در جمعیت مورد پژوهش به‌دست آمد نشان‌دهنده تفاوت عملکرد افراد در طبقات پردرآمد، متوسط و کم‌درآمد است. بدین ترتیب که اگرچه زبان غالب در طبقه پردرآمد فارسی و در طبقات کم‌درآمد و متوسطه زبان مادری است؛ اما از طرف دیگر بیشترین رمزگردانی به سمت زبان معیار نیز در طبقات کم‌درآمد و متوسطه اتفاق می‌افتد؛ از طرف دیگر، دختران و پسران با میزان و جهت کمابیش مشابهی رمزگردانی کرده‌اند، یعنی در هر دو گروه، زبان غالب مکالمه ترکی بوده و گردش به زبان معیار صورت گرفته است. در نتیجه می‌توان گفت که روند تغییر زبان در میان هر دو گروه جنسی مشابه است؛ افزون بر این، غالب بودن رمزگردانی به زبان معیار می‌تواند نشان‌دهنده تمایل جمعیت مورد پژوهش به زبان معیار باشد.

منابع

بهمقامی، لیدا (۱۳۹۶). بررسی چندزبانگی و عوامل مؤثر بر آن در گروه‌های قومی مختلف شهر ارومیه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه الزهرا (س)، شعبه ارومیه، ارومیه.

References

- Fereidoni, J. (2003). A sociolinguistic study on multilingualism: A domain analysis perspective. *Working Papers of the Linguistics Circle*, 17, 21-28.
- Gumperz, J. & E. Hernandez-Chavez (1975). Cognitive aspects of bilingual communication. In: E. Hernandez-Chavez, A.D. Cohen, & A. Beltramo, (Eds.), *El Lenguaje de los Chicanos*. Arlington, VA.: Center for Applied Linguistics.
- (1982). *Discourse strategies*. New York: Cambridge University Press;
- Gutiérrez-Clellen, F., G. Simon-Cerejido & A. Erickson Leone (2009). Code-switching in bilingual children with specific language impairment. *International Journal of Bilingualism*, 13 (1), 91-109.
- Haugen, E. (1973). Bilingualism, language contact, and immigrant languages in the United States: a research report, In: Thomas Sebeok (Ed.), *Current trends in linguistics*, (pp. 1956-1970). The Hague: Mouton.

- Labov, W. (2006). *The social stratification of English in New York City* (2nd Ed.). Cambridge: Cambridge University Press.
- Myers-Scotton, C. (1993). *Duelling languages: Grammatical structure in Codeswitching*. Oxford: Clarendon.
- (1997). *Duelling languages: Grammatical structure in codeswitching*. Oxford University Press.
- Podesva, R. J. & D. Sharma (2013). *Research Methods in Linguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Poplack, S. (1980). Sometimes I'll start a sentence in Spanish y termino en espanol: toward a typology of code-switching. *Linguistics*, 18 (7/8), 581-618.
- (1985). Aspects of multilingualism. *proceedings from fourth nordic symposium on bilingualism*.
- Sankoff, D. & Poplack, S. (1981). A formal grammar for code-switching. *Paper in Linguistics*, 14 (1), 3-45.
- Treffers-Daller, J. (1991). Borrowing and shift-induced interference: contrasting patterns in French-Germanic contact in Brussels and Strasbourg. *Bilingualism: Language and Cognition*, 2 (1), 1-22.